

بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی

(مورد مطالعه: دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز)

سعید عطوفت، علیرضا خدامی، علی شجاعی فرد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر شیراز می باشد. روش پژوهش، پیمایش است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز می‌باشند که ۳۰۲ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده‌اند. ابزار تحقیق، پرسشنامه است که برای تعیین اعتبار آن از روش اعتبار صوری، که به کارشناسان مورد نظر که اساتید بخش جامعه‌شناسی می‌باشند عرضه شد، که نظر آنان مبتنی بر تأیید اعتبار پرسشنامه‌ها بوده است. برای تعیین پایایی، از شیوه هماهنگ درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج توصیفی پژوهش، بیانگر آن هستند که میانگین نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی در سطح پایینی می‌باشد. یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد رابطه مشارکت سیاسی دانشجویان با دینداری، اعتماد سیاسی، هویت ملی و مرادوت با دوستان در فضای مجازی مثبت، قوی و معنادار می باشد. در بین متغیرهای جمعیتی رابطه جنسیت، تأهل و رشته تحصیلی با مشارکت سیاسی معنادار، مثبت و قوی است. تبیین مشارکت سیاسی در حالت کلی، بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که دینداری (۰/۲۳۴)، مرادوت با دوستان در فضای مجازی (۰/۲۲۶)، هویت ملی (۰/۱۲۵) و تأهل (۰/۰۹۹) به ترتیب قوی ترین پیش بینی کننده های مشارکت سیاسی هستند و قادرند ۴۸ درصد از تغییرات واریانس مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نمایند.

واژگان اصلی: اعتماد سیاسی، دانشجویان، کمیته امداد امام خمینی، فضای مجازی، شهر شیراز.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش سیاسی گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

مشارکت سیاسی از جمله ملزومات بنیادین مردم‌سالاری و شهروندی و از ضرورت‌های جدانشدنی نظام سیاسی در قرن بیست و یکم است. مشارکت شهروندان در مسایل سیاسی و امور مربوطه به حکومت و هم‌نین برقراری یک نظام دموکراتیک از مسائل مهم و ضروری هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. و مستلزم این است که، مردم در کمال آزادی و با سنجش عقلانی در تعیین سرنوشت خود و جامعه‌شان حضوری فعال داشته باشند، تا از این بتوانند در روند تصمیم‌گیری‌ها برای محقق ساختن اهداف ملی و دخالت بیشتر در تعیین خط‌مشی‌ها عمومی و راه و روش اداره امور کشور و یک دموکراسی مدرن موثر واقع شوند (شیاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷). . اصلی‌ترین شاخص توسعه یافتگی سیاسی پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است. مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و با تأثیر گرفتن از چه عواملی تغییر می‌کند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). بنا به تعریفی، مشارکت سیاسی سعی و تلاش شهروندان به منظور تأثیر گذاری بر سیاست‌های عمومی‌ای یک جامعه (Huntington and Nelson, 1976: 140). نامیده می‌شود. مشارکت را نوعی کنش هدفمند دانسته‌اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او، برای رسیدن به اهداف معین و از پیش تعیین شده نمود پیدا می‌کند. در نگاهی دیگر، مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم کردن فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی برای بهبود شرایط زندگی آنها عنوان کرده‌اند. وقتی مشارکت فراگرد نیرومندسازی در نظر گرفته می‌شود، مبتنی بر سه ارزش "سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه خواهد بود" (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۰).

مشارکت به معنای قائل شدن حق دخالت و ایجاد تعهد و مسئولیت برای خود یا به معنای درگیر شدن فضای ذهنی و عاطفی یک کنشگر در بستر و محیطی است که در آن قرار دارد. مشارکت سیاسی از مهمترین مفاهیم جامعه‌مدنی در مقابل جامعه سیاسی است که کارگزار را تاحدی به میزان ارزش و تأثیر عمل خود امیدوار می‌کند. عموماً در نظام‌های اقتدارگرا با مشارکت سیاسی غیرحقیقی

¹. Political participation

²Public policy

روبرو هستیم؛ زیرا افراد تاحدی از تأثیرنداشتن کنش خویش آگاهند و مشارکت اخیر به گونه‌ای جنبه ساختگی می‌یابد. در نظام‌های مردم‌سالار که در آنها سازوکار نهادها و سازمان‌ها بر مشارکت افراد بنا شده است و احزاب حلقه میانی جامعه و دولت‌اند، میزان و نحوه مشارکت حقیقی است و افراد آگاهانه به کنش می‌پردازند؛ در واقع، مشارکت سیاسی هم حاصل توسعه سیاسی است و هم عامل آن و به طور معمول میزان تأثیرگذاری آن در برهه‌های بلندمدت سنجیده می‌شود. از آنجا که در ایران، مشارکت سیاسی شهروندان در انسجام و حفظ سیستم اجتماعی نقش مهمی دارد، چنانچه زمانی فرا رسد که مردم به سرنوشتشان بی‌تفاوت باشند و این احساس به آن‌ها دست‌بدهد که هیچ نقشی در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود ندارند، بی‌تفاوتی زنگ خطری است برای مسئولان جامعه که بین دستگاه حکومت و مردم شکافی عمیق وجود دارد.

مشارکت سیاسی مفهوم تازه‌تری نسبت به انواع مشارکت‌های دیگر است، دلیل این امر را می‌توان در پیشرفت جوامع در سال‌های اخیر و گذر از حکومت‌های دیکتاتوری و خودکامه به دولت‌های دموکراتیک و مردمی جستجو کرد و نظام سیاسی همواره بر ضرورت فعالیت سیاسی و مشارکت فعال و متعارف (مسالمت‌آمیز) در مباحث سیاسی تأکید دارد. از نظر میلبراث انواع مشارکت سیاسی را می‌توان از توجه به محرک‌های سیاسی مانند خواندن و گوش‌فرا دادن به اخبار سیاسی گرفته تا شرکت در مباحث سیاسی، رأی‌دادن، مبارزه انتخاباتی، اداره امور سیاسی حزبی در یک طیف قرار داد. هر چه جامعه به لحاظ اقتصادی و سیاسی پیشرفت و سطوح شناخت و به‌طور کلی فرهنگ تکامل و گستردگی بیشتری می‌یابد و مشارکت سیاسی مردم در فعالیت‌های سیاسی و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر می‌گردد و هر چه افراد جامعه از سطوح شناخت و درک بالاتری برخوردار می‌شوند، مشارکت سیاسی آن‌ها گسترده و وسیع‌تر می‌شود (Milbrath, 1977).

به نظر می‌رسد در ایران نیز بسان بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل اینکه تجربه طولانی از دموکراسی ندارند و چند دهه پیش نیست که از نظام دیکتاتوری فاصله گرفته‌اند هنوز راه‌های زیادی وجود دارد تا بتوان مشارکت سیاسی را نهادینه کرد و طرح مسئله مشارکت سیاسی هر چند به کرات، شاید بتواند در دست یافتن به این مهم، کمک شایانی کند. مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان رنگین‌کمانی از فرهنگ‌ها، اقوام و مذاهب مختلف، به عنوان یک مسئله پیچیده و مبهم مطرح است. مشارکت برخی از اقوام در دهه‌های اول و دوم انقلاب با کاهش محسوس مواجه بود، ولی پس از پایان جنگ تحمیلی و بطور

اخص از انتخابات هفتم ریاست جمهوری، شاهد افزایش محسوس، گسترده و معنی دار آنها در فرآیند انتخابات بوده ایم. شواهد تجربی گویای آن است که مشارکت سیاسی در میان دانشجویان از شدت قابل توجهی برخوردار نیست و سطح مشارکت دانشجویان عمدتاً معطوف به سطوح پایین مشارکت سیاسی بوده و در سطوح بالاتر از تعداد مشارکت کنندگان کاسته می شود که این موضوع، مؤید مسأله دارشدن مشارکت سیاسی در میان دانشجویان است که به نوعی نشانگر تکوین نوعی بیگانگی سیاسی - اجتماعی است. بر این مبنای، هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی جامعه شناختی نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می باشد.

ادبیات تجربی تحقیق

ایرانپور و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان " بررسی روابط ساختاری ویژگی های شخصیتی و مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش واسطه ای باورهای مذهبی " نشان دادند که: ویژگی های شخصیتی روان نژندی، برون گرایی، دلبذیر بودن و باوجدان بودن بر مشارکت سیاسی در دانشجویان تاثیر مستقیم معناداری دارند ($P < 0/05$)، اما ویژگی شخصیتی انعطاف پذیری بر مشارکت سیاسی در دانشجویان تاثیر مستقیم معنی داری ندارد. همچنین باورهای مذهبی بر مشارکت سیاسی تاثیر مستقیم معناداری دارند ($P < 0/05$). ویژگی های شخصیتی برون گرایی، دلبذیر بودن، انعطاف پذیری و باوجدان بودن نیز بر باورهای مذهبی در دانشجویان تاثیر مستقیم معناداری دارند ($P < 0/05$). اما ویژگی شخصیتی روان نژندی بر باورهای مذهبی در دانشجویان تاثیر مستقیم معناداری ندارد. همچنین باورهای مذهبی، رابطه بین ویژگی های شخصیتی برون گرایی، دلبذیر بودن، انعطاف پذیری و باوجدان بودن را با مشارکت سیاسی در دانشجویان به طور معناداری میانجی گری می کند ($P < 0/05$). جلالی راد و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان در بین شهروندان تهرانی انجام دادند. یافته های این تحقیق نشان داد که؛ الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان را می توان در سه بعد، شش مؤلفه، و ۴۳ شاخص مجزا مطرح و ارائه نمود. هم چنین نتایج نشان داد که، مشارکت شهروندان در الگوی مطرحه در بسیاری از شاخص ها زیاد بوده، ولی با پایگاه های اجتماعی مردمی رابطه معناداری دارد. همچنین نگرش شهروندان با پیش بینی مشارکت مردمی توسط نخبگان فکری در رتبه بندی شاخص ها با هم اختلاف معناداری را نشان داده است. نجفی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان " بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش عوامل

فرهنگی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تبریز¹ به نتایج زیر دست یافتند: حق مشارکت سیاسی به این معناست که افراد جامعه حق دارند آزادانه و در چارچوب قوانین در تصمیم‌گیری برای امور کشور سهیم باشند. عوامل مختلفی بر مشارکت سیاسی اقشار و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تأثیر دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کنش و رفتار فرهنگی و اجتماعی در حد بسیار بالایی با میزان مشارکت سیاسی جوانان رابطه معنی‌داری دارد. سردار نیا و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان "تأثیر رسانه‌های جدید با واسطه‌گری متغیرهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز" به نتایج زیر دست یافتند: دسترسی و ارتباط فعالانه با شبکه‌های اجتماعی در فضای سایبری، گروه دوستان، عضو شدن در انجمن‌های مدنی و داوطلبانه، رسانه‌های داخلی و در نهایت رسانه‌های خارجی (رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای) بر تمایلات و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز در احزاب و تشکل‌های سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته‌اند. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه کردستان» به نتایج زیر دست یافتند: مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان مورد بررسی از شدت قابل توجهی برخوردار نیست و پایین می‌باشد و درصد کمی در تشکل‌های سیاسی عضویت داشته و دارای ارتباط نهادی بوده‌اند. بر مبنای نتایج تحلیل رگرسیون، چهار عامل مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی، هویت ملی، اعتماد تعمیم یافته و اثربخشی سیاسی قدرت تبیین تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را دارند و عوامل مذکور در مجموع ۲۶ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نموده‌اند. چنگان و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش پیمایشی² "به کارگیری رسانه‌های اجتماعی، علاقه سیاسی و مشارکت در بین دانشجویان دانشگاه در شهر چین" نشان داده‌اند که به کارگیری رسانه‌های اجتماعی در علائق سیاسی سهیم بوده و به نوبه‌ی خود بر مشارکت مدنی و سیاسی اثر می‌گذارد. یافته‌ها مؤید آن است که دلیل اقتدارگرایی شبکه‌ای در چین، ارتباطات سیاسی به میانجی شبکه‌های اجتماعی در علائق مثبت نسبت به حکومت و جامعه تأثیر گذاشته و ارتباط با فعالین سیاسی از طریق شبکه با علائق سیاسی منفی مرتبط است. ظاهر (۲۰۱۶) در مقاله‌ی پیمایشی "استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه" به بررسی رابطه‌ی بین میزان به کارگیری فیس بوک و مشارکت سیاسی در میان ۴۱۶ نمونه از دانشجویان پاکستانی می‌پردازد. بر مبنای

¹ Chen et al

² zaheer

یافته‌ها، همبستگی مثبتی بین فعالیت سیاسی و مدت زمان استفاده از فیسبوک وجود دارد. به عبارت دیگر، دانشجویانی که زمان بیشتری از فیسبوک استفاده نموده‌اند، به مراتب بیشتر فیسبوک را برای اهداف سیاسی به کار گرفته‌اند. دانشجویانی که فیسبوک را به خاطر اهداف سیاسی به کار گرفته‌اند، مشارکت فعالانه‌ای در فعالیت‌های سیاسی آن لاین و آف لاین داشته‌اند و مشارکت سیاسی آن لاین، به احتمال زیادی مشارکت سیاسی آف لاین را شکل می‌بخشد. به علاوه، مشارکت سیاسی ارتباط معناداری با عوامل جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت و سن دارد.

چارچوب نظری تحقیق

امروزه، مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی کشورها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در تمامی نظام‌های سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شکلی حساس‌تر، خود را نشان می‌دهد به گونه‌ای که اکثر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی به نوعی ناچارند برای کسب مشروعیت بیشتر به دنبال جلب بیشتر مشارکت سیاسی شهروندان خود باشند (روحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰). مشارکت سیاسی جوانان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نقش اساسی در ایجاد تغییرات سیاسی دارد. از قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد (راش، ۱۳۹۳: ۱۲۳؛ به نقل از خوب پرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷). در این پژوهش، با رجوع به دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی و بهره‌گیری از نتایج به دست آمده از مرور آن‌ها و با نظر به مختصات میدان مورد مطالعه، برای تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان چارچوب نظری تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی ارائه گردیده است. در گام نخست، از رویکرد نظری هانتینگتون، میلبراث و راش برای توصیف و سطح بندی مشارکت بهره گرفته شده است. براین مبنا، مشارکت سیاسی نوعی کنش ورزی ایجابی است که به قصد اثر گذاری بر سیاست و خط مشی‌های عمومی و نظام تدبیر صورت بندی می‌شود. این کنش ورزی قبل از هر چیز معطوف به ساختار قدرت و سیاست می‌باشد و ماهیت تأییدی (حمایتی) و اصلاحی دارد. مرور

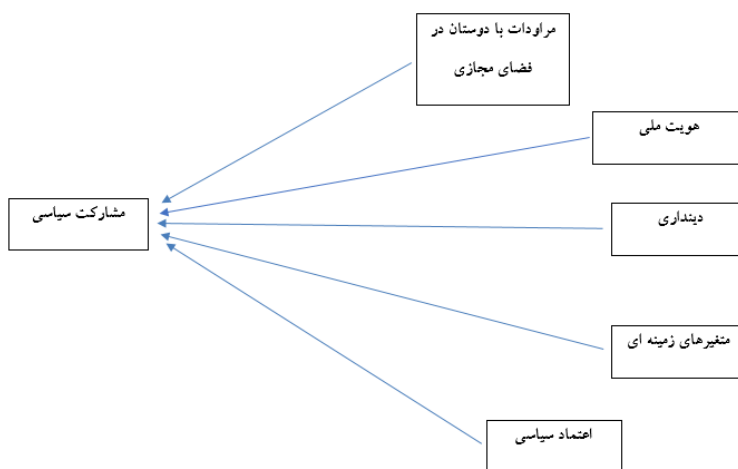
رویکردهای نظری گویای آن است که مشارکت سیاسی ماهیت چندوجهی، سیال و اقتضایی دارد و متأثر از عوامل عدیده‌ای در سطح خرد، میانی و کلان (برای مثال نهادمندی سیاسی و ساخت فرصت‌های سیاسی) است؛ با این وصف، به دلیل آن که در پژوهش حاضر واحد مشاهده فرد و واحد تحلیل نیز سطح خرد می‌باشد، در این مطالعه به سطح خرد و میانی بسنده شده است.

بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست (۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی (به ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی) تابع عواملی چون جنسیت، تحصیلات (به ویژه مدارج بالای تحصیلی)، محل سکونت (از وجه شهری یا روستایی)، رده سنی (۳۵ تا ۵۵)، وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، عضویت سازمانی و نهایی است. عضویت سازمانی و نهادی در دستگاه نظری رابرت پاتنام نیز در قالب متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی) در مشارکت مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. یکی دیگر از عوامل اثرگذار، رسانه‌های ارتباط جمعی است؛ تغییری که دانیل لرنر به مثابه متغیری اثرگذار در آگاهی سیاسی و علاقه سیاسی و میل به مشارکت مفهوم‌سازی نموده است. هانتینگتون نیز در کنار متغیرهای ساختاری به عواملی چون آگاهی سیاسی در تکوین تقاضای مشارکت سیاسی در نزد قشرهای برآمده از نوسازی اقتصادی و آموزشی (نظیر دانشجویان) اشاره نموده است. میلبراث و گوئل نیز ضمن سطح بندی مشارکت سیاسی به نقش عواملی چون پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات، جنسیت، شغل، قومیت، محل سکونت، عضویت در گروه‌ها و احساس اثر بخشی و توان اثر گذاری بر سیاست‌ها و خط مشی‌ها و امید به آینده در میزان و سطح مشارکت سیاسی اشاره کرده است (هانتینگتون، ۱۳۷۵). بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و سن) و موقعیت اجتماعی (رشته و مقطع تحصیلی، اشتغال، هویت جمعی در سطوح قومی، دینی و ملی) دانشجویان، به تأسی از دیدگاه لیپست و میلبراث مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد (لیپست، ۱۳۷۳). به فراخور موقعیت اجتماعی دانشجویان، رسانه‌های ارتباطی در مصرف فرهنگی و فراغتی دانشجویان نقش به‌سزایی دارد و دانشجویان در زمره مخاطبان و فعالان رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های جدید هستند. بر این اساس به تأسی از رویکرد نظری لرنر و پاتنام و اینگلهارت، متغیر بهره‌مندی و مصرف رسانه‌های ارتباطی و اعتماد سیاسی به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار در مشارکت سیاسی دانشجویان در چارچوب نظری لحاظ شده است (لرنر، ۱۳۸۳). رسانه‌های ارتباطی یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری دانشجویان در تکوین و در جرح و تعدیل جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی (آگاهی سیاسی-اجتماعی) و احساس و پنداشت دانشجویان نسبت به ابژه‌های

اجتماعی و سیاسی (اعتماد سیاسی) اثر گذار است؛ متغیرهایی که مورد تأکید پاتنام، هانتینگتون، لیپست و لرنر بوده است، احساس و پنداشت دانشجویان صرفاً ماهیت ذهنی نداشته و به نوعی در ارتباط با موقعیت اجتماعی، مصرف رسانه‌های ارتباطی و تجربه مشارکت اجتماعی و سیاسی در مقام عمل نیز می‌باشد. این مدل بر اساس نظریات مطرح شده در این حوزه طراحی شده است، ممکن است داده‌های تجربی حاصل از تحقیق آن را تأیید یا رد کند. نظریه جامعه‌پذیری سیاسی نیز در چارچوب نظری پژوهش جهت‌متغیر محرومیت نسبی مورد استفاده قرار گرفته است. در مکتب جامعه‌شناسی نظریه منابع که در آن ادعا می‌شود برخی منابع اجتماعی و اقتصادی - از جمله تحصیلات، شغل و درآمد - بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. دسترسی نابرابر افراد به این گونه منابع در شکل‌گیری سبک زندگی، شبکه‌های اجتماعی و انگیزه‌های افراد موثر است. بنابراین رفتار مشارکتی افراد را باید بر حسب عضویت آنان در گروه‌های شغلی، تحصیلی و غیره توضیح داد.

مدل نظری تحقیق

همان‌طور که در بالا عنوان شد در بررسی‌های نظری که از مشارکت سیاسی به عمل آمده، بر جنبه‌های مختلفی تأکید شده است. از این رو نمی‌توان بر اساس یک نظریه به تحلیل دقیق مشارکت سیاسی پرداخت. با این حال با توجه به این که این تحقیق در پی تحلیل جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی است با استفاده از نظریه‌های لیپست، هانتینگتون، گوئل و میلبراث، اینگلهارت، پاتنام، لرنر و با تأکید بر نظریه جامعه‌پذیری سیاسی درصدد تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان می‌باشیم. از این رو بر اساس نظریه‌های مطرح شده مدل زیر ارائه می‌گردد.



فرضیات تحقیق:

- به نظر می‌رسد مراودات با دوستان در فضای مجازی بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد دینداری بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد هویت ملی بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد اعتماد سیاسی بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ای بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی دارند.

روش

در پژوهش حاضر از روش کمی و از پیمایش به عنوان یکی از روش‌های مرسوم در تحقیق-های کمی استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های پیمایش می‌توان از تکنیک‌های مختلفی سود جست. با این همه، پرسشنامه پرکاربردترین تکنیک است. بنابراین در بخش پیمایش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. روند نهایی شدن پرسشنامه بدین صورت انجام خواهد گرفت که ابتدا در یک مطالعه‌ی مقدماتی، ۳۰ نفر از اعضای جامعه‌ی آماری پیش‌آزمون خواهند شد و مسائل تحقیق به ویژه در ارتباط با محتوای پرسشنامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت که منجر به برخی بازنگری‌ها در پرسشنامه، نظیر حذف برخی گویه‌ها و اصلاح نحوه‌ی طراحی برخی پرسش‌ها خواهد گردید. جامعه‌ی آماری در این تحقیق، تمام دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز می‌باشند. جمعیت دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی ساکن در شهر شیراز در سال جاری ۱۱۰۰ نفر می‌باشد که در دانشگاه‌های آزاد، پیام نور، دولتی و دانشگاه‌های غیر انتفاعی مشغول به تحصیل هستند. لذا در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت آماری جوانان حجم نمونه در سطح ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد در نظر گرفته شده است. که با توجه به نتایج محاسبه، حجم نمونه ۲۸۰ نفر، می‌باشد، اما برای دستیابی به برآوردی دقیق‌تر، اندازه نمونه به ۳۰۲ نفر افزایش خواهد یافت. این پژوهش با روش نمونه‌گیری سیستماتیک صورت گرفته است. برای انتخاب نمونه‌ی سیستماتیک ابتدا باید با تقسیم حجم جمعیت بر حجم

! Survey

نمونه، نسبت نمونه‌گیری را به دست آوریم. سپس با پیدا کردن نقطه‌ی شروع بر اساس نسبت نمونه‌گیری به دست آمده، نمونه انتخاب می‌شود. در این پژوهش از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده خواهد شد. اعتبار پرسشنامه صوری خواهد بود، بدین شکل که پرسشنامه‌ی طراحی شده قبل از تکمیل، بر اساس نظر چند تن از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه اصلاح شده و به منظور کسب پایایی نیز با انجام پیش‌آزمون و تکمیل آن در نمونه‌های مقدماتی و با انجام آزمون آلفای کرونباخ به اصلاح نهایی گویه‌ها پرداخته خواهد شد. برای تعیین پایایی ابزارهای اندازه‌گیری، بهترین روش استفاده از ضریب آلفای کرونباخ می‌باشد. این روش برای محاسبه‌ی هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به ویژه پرسشنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر مقیاس در جدول ۳-۱ آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود هر کدام از مقیاس‌ها و شاخص‌های مورد بررسی از همسانی درونی قابل قبولی برخوردارند.

جدول شماره (۱) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه

مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	۱۲	۰/۸۷۰
اعتماد سیاسی	۱۰	۰/۸۳۰
دینداری	۸	۰/۹۵۷
مراودات با دوستان در فضای مجازی	۱۵	۰/۸۷۵
هویت ملی	۷	۰/۹۲۵

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

- مشارکت سیاسی (متغیر وابسته): مشارکت، به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است. بر این اساس مشارکت، شرکت فعالانه انسان ه در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۴). مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخابات رهبران و شرکت مستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی است (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۷۵). این متغیر از طریق ۱۲ گویه در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. برخی از گویه‌های مشارکت سیاسی عبارتند از: آیا شما در راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی شرکت می‌

¹ Participation

کنید؟، تا چه حد در انتخابات سراسری شرکت می‌کنید؟، به چه میزان پیگیری اخبار و کسب اطلاعات سیاسی از طریق رسانه‌ها هستید؟، تا چه اندازه در اعتراض‌های جمعی دانشجویان درخصوص مسائل سیاسی شرکت می‌کنید؟، تا چه اندازه در کلاس یا خوابگاه یا محیط دانشگاه با سایر دانشجویان بحث سیاسی می‌کنید؟، آیا شما در انجمن اسلامی، بسیج و جامعه اسلامی دانشجویان عضویت و فعالیت دارید؟، آیا شما در تشکل‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی عضویت و فعالیت دارید؟، تا چه حد دیگران را به شرکت در انتخابات و همکاری با نهادهای سیاسی تشویق می‌کنید؟، آیا شما علاقمند به سخنرانی یا مقاله‌نویسی درخصوص مسائل سیاسی هستید؟، آیا برای انتخاب شدن در انتخابات مرکزی تشکل‌های سیاسی دانشگاه نام‌نویسی می‌کنید؟، آیا برای انتخاب شدن در انتخابات مرکزی تشکل‌های سیاسی دانشگاه نام‌نویسی می‌کنید؟، تا چه اندازه در ستادهای انتخاباتی شرکت و فعالیت می‌کنید؟، تاکنون با سیاستمدران (رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس) ارتباط داشته‌اید؟.

هویت ملی (متغیر مستقل): هویت ملی یکی از مولفه‌های بنیادی شکل‌گیری و بقای جامعه ملی و اصلی‌ترین حلقه ارتباطی با هویت عام قومی است که می‌تواند مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه از در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی به وجود آورد (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۹۷). این متغیر از طریق ۷ گویه در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های هویت ملی عبارتند از: از اینکه در ایران زندگی می‌کنم احساس غرور می‌کنم، زمانی به هر دلیلی به ایران توهین شود ناراحت می‌شوم، در برابر مردم سرزمین‌های دیگر احساس حقارت نمی‌کنم، ایران پیشرفت‌های تکنولوژیکی خوبی داشته است، در صورت تجاوز به خاک کشورم از آن دفاع می‌کنم، تاریخ کشورم باعث افتخار من هست، به سرود ملی کشورم احترام می‌گذارم.

مراودات با دوستان در فضای مجازی (متغیر مستقل): رسانه به هر ابزار، سازمان، نهاد مادی و غیر مادی اطلاق می‌شود که حامل پیام باشد به شرط آن که پیام منتشره آن از مقبولیت اجتماعی برخوردار باشد و مورد پذیرش جامعه قرار گیرد (عقبلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). این متغیر از طریق ۱۵ گویه در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های مراودات با دوستان در فضای مجازی عبارتند از: چون رسانه‌ها از حزب یا گروه سیاسی خاصی حمایت می‌کند، من هم از همان حزب یا گروه حمایت می‌کنم، روزنامه، مجلات، تلویزیون و رادیو، در افزایش اطلاعات سیاسی من تاثیر دارند، رسانه‌ها با آگاهی دادن در باره مسائل سیاسی، باعث می‌شوند اشتیاق

بیشتری به مشارکت سیاسی داشته باشم، اخبار کذب و بدبینانه رسانه‌ها مانع از مشارکت من در امور سیاسی می‌شود، تمرکز بیش از حد رسانه بر اخبار سیاسی موجب بی‌تفاوتی سیاسی من می‌شود، محتوای پیام در رسانه‌های خارجی در جهت‌گیری سیاسی من موثر است، اخبار عمدتاً کذب رسانه‌های خارجی باعث دلزدگی من از سیاست می‌شود، اخبار سیاسی بدون سانسور رسانه‌های خارجی در علاقه مندی ام به سیاست تأثیر دارد، رسانه‌های ایرانی برون‌مرزی را در امور سیاسی نسبت به رسانه‌های داخلی موثرتر می‌دانم، آشنایی با دوستان عضو انجمن‌ها یا گروه‌های سیاسی موجب علاقه مندی من به فعالیت سیاسی می‌شود، تأیید و تشویق دوستانم در عقاید سیاسی ام اثرگذار است، بحث و گفت‌وگوهای سیاسی میان دوستانم، تأثیری در آگاهی من نسبت به مسائل سیاسی ندارد، دانش سیاسی دوستانم، باعث افزایش آگاهی من از اخبار و حوادث سیاسی می‌شود، بدبینی دوستان به سیاست مانع از فعالیت سیاسی من می‌شود، اولویت به رابطه دوستی با کسانی دارم که فعالیت‌های سیاسی دارند.

اعتماد سیاسی (متغیر مستقل): اعتماد به عنوان چسب اجتماعی تعریف شده که اعضا را به یکدیگر متصل می‌کند و با القای همکاری و احساسات مثبت برای کاهش ناپه‌نجاری حیاتی است (سردار نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۳). اعتماد سیاسی به معنای باور داشتن به صداقت، قول و قرار و سیاست‌گذاری مسئولان، داشتن حسن نیت نسبت به مقامات دولتی و نهادهای سیاسی است. این متغیر از طریق ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های متغیر اعتماد سیاسی به شرح زیر است. کارگزاران تمام نهادها به وعده‌هایشان عمل می‌کنند، نهادهای سیاسی و دولتی جامعه به نظر مردم اهمیت می‌دهند، در تمامی بخش‌های دولتی پارتی‌بازی وجود دارد، مسئولین بیشتر نهادها از موقعیت شغلی خود سوء استفاده می‌کنند، تمامی ادارات مطابق با قانون رفتار می‌کنند، دولت مردان به فکر خدمت به مردم اند، هرگاه به اداره یا نهادی مراجعه داشتیم با من عادلانه رفتار شده است، من روی هم رفته به مسئولان حکومتی اعتماد دارم و می‌دانم آن‌ها خدمت‌گزار مردم هستند، به اعتقاد من حکومت جمهوری اسلامی، بهترین گزینه در تعیین نظام سیاسی ایران بوده است، حفظ جمهوری اسلامی از واجبات است.

دینداری (متغیر مستقل): از دید دورکیم دین عبارتست از دستگاهی هم‌بسته از باور‌ها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و همه‌کسانی را: که پیرو آن هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند دینداری به بیانی کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های

فرد را متأثر سازد (مدیری، ۱۳۹۵). مذهب، نیروی اجتماعی قدرتمندی دارد. تاریخ، توانایی مذهب برای تمرکز و هماهنگ کردن تلاش انسان، ایجاد شکوه و توسعه و مشارکت تأیید می‌کند. مذهب علاوه بر بهره‌مندی از قدرت اجتماعی، نیروی روانی نیز دارد که می‌تواند نتایج زندگی افراد بشر را تحت تأثیر قرار دهد (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۳). این متغیر از طریق در قالب طیف ۵ گزینه ای لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های متغیر دینداری در ادامه آمده است. تعلق به یک دین و مذهب و هویت یافتن با آن برای من مهم است، ارجاع به یک سنت دینی برای هویت فرهنگی - قومی من مهم است، من به خاطر اخلاق و ارزش‌هایی که دین آن‌ها را تأیید می‌کند به دین تمایل دارم، دین به من کمک می‌کند که به شیوه‌ای اخلاقی زندگی کنم، وقتی با یک دو راهی اخلاقی مواجه می‌شوم، دین به من کمک می‌کند تا تصمیم بگیرم، من به فرائض دینی عمل می‌کنم، فرائض دینی، فعالیت‌ها و اعمال دینی به من احساس مثبتی می‌دهند، عقاید دینی مفاهیم مهمی برای درک وجود انسان در خود دارند.

یافته‌ها

بر اساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۳۰۲ دانشجوی میانگین سن پاسخگویان ۲۴/۱۶ سال، از مجموع کل پاسخگویان، ۸۸ نفر، معادل (۲۹/۱ درصد) مرد، و ۲۱۴ نفر معادل (۷۰/۹ درصد) زن می‌باشند. ۶۶ نفر (۲۱/۹ درصد) از پاسخگویان فوق دیپلم، ۲۰۲ نفر معادل (۶۶/۹ درصد) لیسانس، ۲۶ نفر معادل (۸/۶ درصد) فوق لیسانس و ۸ نفر معادل (۲/۶ درصد) دانشجوی دکتری می‌باشند. ۱۸۸ نفر (۶۲/۳ درصد) از پاسخگویان در گروه علوم انسانی، ۶۰ نفر معادل (۱۹/۹ درصد) در گروه علوم مهندسی، ۳۴ نفر معادل (۱۱/۳ درصد) در گروه علوم پزشکی و پیراپزشکی و ۲۰ نفر معادل (۶/۶ درصد) در گروه هنر مشغول به تحصیل می‌باشند. ۲۵۶ نفر معادل، ۸۴/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۶ نفر یعنی ۱۵/۲ درصد از آن‌ها متأهل می‌باشند. اما بر اساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین مشارکت سیاسی ۲۴/۴۵، اعتماد سیاسی ۳۱/۴۵، مراودت با دوستان در فضای مجازی ۴۶/۹۰، هویت ملی ۲۷/۹۷ و دینداری ۳۰/۳۸ می‌باشد.

تجزیه و تحلیل استنباطی

پژوهش حاضر به دنبال بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر شیراز و تاثیر سازه‌های: اعتماد سیاسی، اعتقادات

دینی، مراودت با دوستان در فضای مجازی، تعلقات ملی و متغیرهای جمعیتی (جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، تأهل) بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است. در این قسمت، این روابط مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره (۲) بررسی ارتباط بین دینداری، هویت ملی، اعتماد سیاسی و مراودت با دوستان در فضای

مجازی با مشارکت سیاسی دانشجویان

نتیجه همبستگی	سطح معنی داری	t	f	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	میانگین	
وجود همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۱۰/۷۸۶	۱۱۶/۳۳	۰/۲۷۹	۰/۵۲۹	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۳۰/۳۸	دینداری
وجود همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۸/۰۲۷	۶۴/۴۳	۰/۱۷۷	۳۱/۴۵	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۳۱/۴۵	اعتماد سیاسی
وجود همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۸/۶۵۹	۷۴/۹۸۴	۰/۲۰۰	۰/۴۴۷	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۴۶/۹۰	مراودت با دوستان در فضای مجازی
وجود همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۸/۵۱۱	۷۲/۴۳۰	۰/۱۹۴	۰/۴۴۱	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۲۷/۹۷	هویت ملی
عدم وجود همبستگی معنادار	۰/۰۶۱	۱/۸۷۸	۳/۵۲۶	۰/۰۱۲	۰/۱۰۸	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۲۴/۱۶	سن

نتایج جدول شماره ۲، نشان می‌دهد ضریب همبستگی پیرسون بین دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان برابر با ۰/۵۲۹ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. هرچه دینداری بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی دانشجویان بیشتر می‌شود و برعکس هرچه دینداری پایین‌تر باشد، مشارکت سیاسی دانشجویان کاهش خواهد یافت. رابطه و همبستگی مثبت و مستقیم بین دو متغیر دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان قابل مشاهده است که با احتمال ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد سیاسی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان برابر با ۰/۴۲۰ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر اعتماد سیاسی و میزان مشارکت سیاسی

دانشجویان وجود دارد. به عبارت دیگر می توان گفت که هر چه دانشجویان به کارگزاران و دولتمردان اعتماد سیاسی بیشتری داشته باشند، میزان مشارکت سیاسی آن ها بیشتر می شود و برعکس هر چه اعتماد سیاسی آن ها به دولتمردان کمتر باشد، میزان مشارکت سیاسی آن ها کاهش خواهد یافت. رابطه و همبستگی مثبت و مستقیم بین دو متغیر مشاهده می شود که با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار می باشد. همچنین نتایج جدول نشان می دهد ضریب همبستگی پیرسون بین مرادوت با دوستان در فضای مجازی و مشارکت سیاسی دانشجویان برابر با ۰/۴۴۷ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ خطا است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر مرادوت با دوستان در فضای مجازی و مشارکت سیاسی وجود دارد. و فرض H_1 مورد تأیید و فرض H_0 رد می شود. از این رو هر چه بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل سیاسی با دوستان در فضای مجازی بیشتر باشد دانشجویان تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های سیاسی خواهند داشت. ضمناً ضریب همبستگی پیرسون بین هویت ملی و مشارکت سیاسی دانشجویان برابر با ۰/۴۴۱ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ خطا است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیره هویت ملی و مشارکت سیاسی وجود دارد. و فرض H_1 مورد تأیید و فرض H_0 رد می شود. از این رو هر چه دانشجویان علاقمندی بیشتری به کشورشان داشته باشند آن ها تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های سیاسی خواهند داشت و برعکس بی علاقگی و تعلق خاطر نداشتن به کشور از تمایل و گرایش دانشجویان به مشارکت در فعالیت های سیاسی می کاهد. اما نتایج جدول نشان می دهد سن نمی تواند تغییرات مشارکت سیاسی را پیش بینی نماید. مقدار f محاسبه شده نشان می دهد رگرسیون معنی دار نیست و مقدار t بیانگر آن است که ضریب رگرسیون معنی دار نمی باشد.

جدول شماره (۳) بررسی ارتباط بین جنسیت و وضع تأهل با مشارکت سیاسی

جنسیت	تعداد	میانگین مشارکت سیاسی	انحراف معیار	مقدار t	df	سطح معناداری
دختر	۲۱۴	۲۲/۳۷	۶/۷۹	۷/۱۶۶	۳	۰/۰۰۰
	۸۸	۲۹/۵۲	۱۰/۰۴			
متأهل	۴۶	۳۲/۶۵	۱۰/۳۳	-۷/۷۶۰	۳	۰/۰۰۲
	۲۵۶	۲۲/۹۸	۷/۲۳			

بر اساس نتایج جدول شماره (۳) پسران و دختران به لحاظ میانگین مشارکت سیاسی تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان با یکدیگر دارند. همچنین میانگین نمرات پسران با میانگین

مشارکت سیاسی (۲۹/۵۲ درصد) بیشتر از میانگین دختران با میانگین مشارکت سیاسی (۲۲/۳۷ درصد) می‌باشد، که نشان می‌دهد پسران، مشارکت سیاسی بالاتری دارند. البته مشارکت سیاسی پسران معمولاً بیشتر از دختران است و این که پسران در فعالیت‌های سیاسی نقش پررنگ‌تری دارند. همچنین دانشجویان متأهل و مجرد به لحاظ مشارکت سیاسی وضعیت مشابهی ندارند. بررسی ارتباط بین تاهل و مشارکت سیاسی نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین مجردین و متأهلین وجود دارد.

جدول شماره (۴) بررسی ارتباط بین رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی با مشارکت سیاسی

Sig	df	مقدار f	انحراف معیار	میانگین مشارکت سیاسی	تعداد	مقطع تحصیلی
۰/۱۵۴	۳	۱/۷۶۵	۷/۶۷	۲۳/۲۷	۶۶	فوق دیپلم
			۹/۱۴	۲۵/۱۴	۲۰۲	لیسانس
			۵/۰۵	۲۱/۶۱	۲۶	فوق لیسانس
			۴/۶۸	۲۲/۲۵	۸	دکتری
			۸/۵۱	۲۴/۴۵	۳۰۲	کل
۰/۰۰۰	۳	۱۰/۲۲۸	انحراف معیار	میانگین مشارکت سیاسی	تعداد	رشته تحصیلی
			۷/۷۹	۲۴/۳۱	۱۸۸	علوم انسانی
			۱۰/۹۷	۲۷/۹۸	۵۰	علوم ریاضی و مهندسی
			۶/۰۷	۲۳/۷۰	۳۴	علوم تجربی، پزشکی و پیرا پزشکی
			۱/۹۰	۱۶/۵۰	۲۰	هنر
			۸/۵۱	۲۴/۴۵	۳۰۲	کل

بر اساس نتایج جدول شماره (۴)، مقطع تحصیلی تأثیری بر مشارکت و عدم مشارکت سیاسی دانشجویان ندارد. اما بالاترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به دانشجویان مقطع لیسانس (۲۵/۱۴ درصد) و پایین‌ترین میانگین مربوط به دانشجویان مقطع فوق لیسانس (۲۱/۶۱ درصد) می‌باشد. اما رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به طوری که بالاترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به دانشجویان رشته علوم ریاضی و مهندسی (۲۷/۹۸ درصد)، در مرتبه دوم دانشجویان علوم انسانی (۲۴/۳۱ درصد)، مرتبه سوم علوم تجربی و پزشکی (۲۳/۷۰ درصد) و پایین‌ترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به دانشجویان گروه هنر (۱۶/۵۰ درصد) می‌باشد.

تبیین مشارکت سیاسی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

رگرسیون چند متغیره یکی از پرکاربردترین روش‌ها در مطالعات اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. در این پژوهش از روش رگرسونی چند متغیره به شیوه همزمان یا توأم استفاده شده است. مقدار ضریب همبستگی چند گانه برابر $0/693$ بوده که نشان دهنده رابطه قوی بین متغیرهای مستقل و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است. مقدار ضریب تعیین برابر $0/480$ بوده و بیانگر این حقیقت است که 48 درصد از تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان به این متغیرهای مستقل مربوط است.

جدول شماره (5) خلاصه نتایج رگرسیون چند متغیره میزان مشارکت سیاسی دانشجویان

ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	انحراف معیار
<i>Multiple Correlation Coefficient</i>	R^2	<i>Standard Deviation</i>
$0/693$	$0/480$	$3/754$
sig : $0/000$	F : $29/957$	

تجزیه واریانس نیز معنادار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری آن را تأیید می‌کند. آنالیز واریانس نشان می‌دهد مقدار **F** برابر با $29/957$ بوده و با سطح معناداری $0/000$ می‌توان گفت که به احتمال 99 درصد اطمینان بین متغیرهای مستقل و وابسته مشارکت سیاسی دانشجویان اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول شماره (6) ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی دانشجویان

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	$1/993$	$3/745$	-	$0/532$	$0/595$
هویت ملی	$0/175$	$0/087$	$0/125$	$2/012$	$0/045$
دینداری	$0/280$	$0/078$	$0/234$	$3/595$	$0/000$
مراودت با دوستان در فضای مجازی	$0/220$	$0/048$	$0/226$	$4/548$	$0/000$
جنسیت	$-4/923$	$0/875$	$-2/63$	$-5/624$	$0/000$
رشته (گروه) تحصیلی	$-1/847$	$0/396$	$-1/092$	$-2/136$	$0/033$
تأهل	$2/337$	$1/197$	$0/099$	$1/952$	$0/052$

۰/۴۶۵	-/۷۳۲	-/۰۳۴	۰/۶۱۴	-/۴۵۰	مقطع تحصیلی
۰/۰۹۱	۱/۶۹۸	۰/۰۹۱	۰/۰۸۲	۰/۱۳۹	اعتماد سیاسی
۰/۱۴۰	۱/۴۸۱	۰/۰۶۹	۰/۰۶۴	۰/۰۹۵	سن

مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای دینداری، مراودت با دوستان در فضای مجازی و جنسیت در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار هستند. متغیرهای دیگر رشته تحصیلی و هویت ملی در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. میزان خطای سایر متغیرها بیشتر از پنج درصد بوده و به همین دلیل وارد معادله خط رگرسیون نمی‌شوند. با توجه به مقادیر بتا (مقادیر ضرایب رگرسیونی استاندارد شده) متغیرهای دینداری (۰/۲۳۴) مراودت با دوستان در فضای مجازی (۰/۲۲۶)، هویت ملی (۰/۱۲۵)، تأهل (۰/۰۹۹)، اعتماد سیاسی (۰/۰۹۱) و سن (۰/۰۶۴) به ترتیب سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دارند.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل موفقیت حکومت‌ها، همچنین پایداری دموکراسی، حضور فعال و آگاهانه مردم در امور کشور است. لذا، به نفع حکومت‌ها خواهد بود که مردم را در انجام امور کشور شریک کنند و از توانایی آن‌ها بهره‌برند. اهمیت این موضوع در این نکته است که تا زمانی که عوامل تأثیرگذار مثبت و منفی بر مشارکت‌شناسایی نشود، هیچ‌گاه نمی‌توان برای ارتقای کمی و کیفی مشارکت مردم برنامه‌ریزی کرد. به همین دلیل نخستین گام برای بهبود مشارکت مردم این است که بدانیم چه عواملی اثر مثبت یا منفی بر مشارکت می‌گذارد.

در پژوهش حاضر تلاش گردید مشارکت سیاسی در بین دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز شناسایی و ارتباط آن با متغیرهای دینداری، اعتماد سیاسی، هویت ملی، مراودت با دوستان در فضای مجازی، سن، تأهل، جنسیت، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی مورد بررسی قرار گیرد. در این مطالعه در چارچوب نظری تحقیق، در گام نخست، از رویکرد نظری هانتینگتون، میلبراث و راش برای توصیف و سطح بندی مشارکت بهره‌گرفته شده است. همچنین به تأسی از رویکرد نظری لرنر و پاتنام و اینگلهارت، متغیر بهره‌مندی و مصرف رسانه‌های ارتباطی و اعتماد سیاسی به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار در مشارکت سیاسی دانشجویان در چارچوب نظری لحاظ شده است. با این حال با توجه به این که این تحقیق در پی تحلیل جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی است با استفاده از نظریه‌های لیپست، هانتینگتون، گوئل و میلبراث، اینگلهارت، پاتنام

، لرنر و با تأکید بر نظریه جامعه‌پذیری سیاسی درصدد تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان بوده ایم.

- میانگین مشارکت سیاسی دانشجویان در سطح پایینی است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش سبکتگین ریزی (۱۳۹۵) که نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان کرج در سطح متوسط به پایین قرار دارد، قادرزاده (۱۳۹۷) که نشان می‌دهد مشارکت سیاسی نزد دانشجویان به عنوان یکی از گروه‌های اثرگذار در پویش‌های سیاسی و اجتماعی شدت چندانی ندارد و کم‌تر از حد متوسط است، پالیزیان (۱۳۸۷) که نشان می‌دهد میزان تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی کم است، انطباق دارد و آن را تایید می‌کند. اما با نتایج تحقیق قائدی (۱۳۹۸) که معتقد است: نتایج بررسی وضعیت کلی مشارکت سیاسی شهروندان لامردی نشان می‌دهد میانگین محاسبه شده با مقدار $3/131$ بالاتر از حد متوسط می‌باشد، و امینی (۱۳۹۹) که یافته‌های پژوهش آن حاکی از آن است که سطح مشارکت مردم ایلام در سطح بالا است، انطباق ندارد. اعتماد سیاسی، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به عبارت دیگر با افزایش اعتماد سیاسی به مسولان و دولتمردان، مشارکت سیاسی دانشجویان افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش صدیقی و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهش نظری و همکاران (۱۳۹۲) که نشان می‌دهند اعتماد سیاسی بر مشارکت و توسعه سیاسی تأثیر دارند، نتایج پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۹) که معتقدند اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری دارند انطباق دارد و آنها را تایید می‌کند. رویکرد نظری لرنر و پاتنام و اینگلهارت، اعتماد سیاسی را به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار در مشارکت سیاسی دانشجویان در چارچوب نظری لحاظ شده است. مراودت با دوستان در فضای مجازی، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به عبارت دیگر هر چه دانشجویان در فضای مجازی بحث و تبادل نظر بیشتری با دوستان در مورد مسائل و رویدادهای سیاسی داشته باشند و عضویت بیشتری در این گروه‌ها با دوستان سیاسی داشته باشند مشارکت سیاسی آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷)، قنواتی و همکاران (۱۳۹۱)، قادرزاده (۱۳۹۷)، قائدی (۱۳۹۸)، امینی و همکاران (۱۳۹۹) و اشتریان (۱۳۹۴)، نظریه‌های لرنر، پاتنام، همسو می‌باشد و آن‌ها را تایید می‌کند. لرنر با تأکید بر نقش ارتباطات، آن را زمینه‌ساز بسیج می‌داند و معتقد است که ارتباطات، مشارکت و توسعه سیاسی را سامان می‌دهد. یکی دیگر از عوامل اثرگذار، رسانه‌های ارتباط جمعی است؛ متغیری که دانیل لرنر به مثابه متغیری اثرگذار در آگاهی سیاسی و علاقه سیاسی و میل به مشارکت مفهوم سازی نموده است. به تاسی از رویکرد نظری لرنر و پاتنام و اینگلهارت، متغیر بهره‌مندی و

مصرف رسانه‌های ارتباطی به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار در مشارکت سیاسی دانشجویان در چارچوب نظری لحاظ شده است. رسانه‌های ارتباطی یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری دانشجویان در تکوین و در جرح و تعدیل جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی (آگاهی سیاسی-اجتماعی) و احساس و پنداشت دانشجویان نسبت به ابژه‌های اجتماعی و سیاسی (اعتماد سیاسی) اثر گذار است؛ متغیرهایی که مورد تأکید پاتنام، هانتینگتون، لیپست و لرنر بوده است، احساس و پنداشت دانشجویان صرفاً ماهیت ذهنی نداشته و به نوعی در ارتباط با موقعیت اجتماعی، مصرف رسانه‌های ارتباطی و تجربه مشارکت اجتماعی و سیاسی در مقام عمل نیز می‌باشد. هویت ملی، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به عبارت دیگر هر چه دانشجویان احساس تعلق خاطر بیشتری به میهن و سرزمینشان داشته باشند مشارکت سیاسی آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش قادرزاده (۱۳۹۷)، همسو می‌باشد و آن‌ها را تأیید می‌کند. بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که هویت جمعی در سطوح قومی، دینی و ملی دانشجویان، به تأسی از دیدگاه لیپست و میلبراث مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد. دینداری، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به عبارت دیگر هر چه دانشجویان دینداری بیشتری داشته باشند مشارکت سیاسی آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷)، امینی و همکاران (۱۳۹۹)، قنواتی و همکاران (۱۳۹۱) و صدیقی و همکاران (۱۳۸۹) همسو می‌باشد و آن‌ها را تأیید می‌کند. سن بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر نمی‌گذارد و طی آن با افزایش سن، نمرات مشارکت سیاسی بیشتر نمی‌شود. این یافته تحقیق با پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷)، قنواتی و همکاران (۱۳۹۱)، منطبق است و آن را تأیید می‌کند. بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و سن) دانشجویان، به تأسی از دیدگاه لیپست و میلبراث مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد. جنسیت بر مشارکت سیاسی دانشجویان اثر دارد. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷) همسو است و آن را تأیید می‌کند. این یافته تحقیق با چارچوب نظری تحقیق همسو می‌باشد. بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست (۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی (به ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی) تابع عواملی چون جنسیت می‌باشد. میلبراث و گوئل نیز ضمن سطح بندی مشارکت سیاسی به نقش عواملی چون جنسیت بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و

امید به آینده در میزان و سطح مشارکت سیاسی اشاره کرده است.

- وضع تاهل بر مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیر دارد. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان متاهل بیشتر از دانشجویان مجرد است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷) قنوتی و همکاران (۱۳۹۱) منطبق است و آنها را تایید می‌کند. بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست (۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی (به ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی دهی) تابع عواملی چون وضعیت تاهل می‌باشد که بنابراین همسو با چارچوب نظری تحقیق است. رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش زاهد غفاری (۱۳۸۹) فیروزجائیان (۱۳۸۷) قنوتی و همکاران (۱۳۹۱) قادرزاده (۱۳۹۷)، منطبق است و آنها را تایید می‌کند. مقطع تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیری ندارد بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که رشته و مقطع تحصیلی دانشجویان، به تاسی از دیدگاه لیپست و میلبراث مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد.

- تبیین مشارکت سیاسی در حالت کلی، بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که دینداری (۰/۲۳۴)، مرادودت با دوستان در فضای مجازی (۰/۲۲۶)، هویت ملی (۰/۱۲۵) و تاهل (۰/۰۹۹) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی هستند و قادرند ۴۸ درصد از تغییرات واریانس مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نمایند.

پیشنهادها

دانشجویان باید این تجربه را داشته باشند که مشارکت آن‌ها در اداره امور جامعه سمبلیک و نمادین نیست و تأثیر گذار است.

تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) مختلف می‌تواند در عضویت دانشجویان در تشکل‌ها و گروه‌های مدنی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و هم‌نگرش مثبت و منفی نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر بگذارد، از این رو اگر دانشجویان احساس کنند شرکت آن‌ها نقش و تأثیری در سرنوشتشان ندارد و صرفاً تشریفاتی است، نگرش منفی به مشارکت سیاسی پیدامی‌کنند درحقیقت باید توجه داشت که رسانه‌ها در کنش سیاسی افراد نقش مهمی را بازی می‌کنند. این بدان معنی است که هر چه افراد در موقعیت‌هایی قرار گیرند که در آن مباحث و موضوعات سیاسی بیشتری مطرح شود طبعاً آن‌ها هم تحت تأثیر آن بیشتر به سمت کنش سیاسی کشیده می‌شوند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، ۱۷.
- اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی شهر تهران، سیاست، ۴۵(۴)، ۸۴۱-۸۲۵.
- امینی، سلام؛ کواکبیان، مصطفی و شیرینی، طهمورث (۱۳۹۹). مطالعه عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام، جامعه‌شناسی ایران، ۳(۲)، ۱۵۵-۱۳۲.
- ایرانپور، عادل؛ آرنیپور، حمید رضا؛ فتاحی اردکانی، حسین (۱۴۰۲). بررسی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیتی و مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش واسطه‌ای باورهای مذهبی، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۲۵-۵۳.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پالیزیان، محسن (۱۳۹۰). بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن، سیاست، ۴۱(۲)، ۴۹-۳۳.
- جلالی راد، محمد صادق؛ متقی، ابراهیم و سپهرنیا، روزیتا (۱۴۰۰). سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان؛ در بین شهروندان تهرانی، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۹)، ۵۷-۲۵.
- خوب‌پرور، محمدجواد؛ مکرمی‌پور، محمدباقر (۱۴۰۰). بررسی نقش مولفه‌های مردم‌سالاری دینی انقلاب اسلامی در افزایش مشارکت سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۶)، ۵۰-۲۹.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- روحی، محسن؛ گل‌پرور، مجید و منظری نوکلی، علیرضا (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناسی سیاسی رابطه هوش سیاسی با اشکال مختلف مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، ۳(۱۲)، ۶۱-۳۹.
- سبکتگین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ بساطیان، سید محمد و جعفری، احمد (۱۳۹۵). رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی، مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره سوم، ۹۷-۱۱۶.
- سراج زاده، حسین (۱۳۸۳). چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی، در دینداری و سکولار شدن، تهران: طرح نو.

- سردارنیا، خلیل‌الله، قدرتی، حسین، اسلام، علیرضا (۱۳۸۹). تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی شهرستان مشهد و سبزوار، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵(۱)، سروش، مریم و حسینی، مریم (۱۳۹۲). نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی؛ بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۰(۲)، ۹۳-۱۲۵.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیشینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲(۱)، ۷۶-۶۰.
- شیاری، علی؛ شکری، علی (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی سیاسی نقش مشارکت سیاسی در فهم دموکراسی مدرن بعد از انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۱۲)، ۲۱-۷.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: مرکز بازشناسی اسلامی و ایرانی.
- صدیق، بهرنگ؛ ملک‌میان، لینا و اجاقی‌ازبری، مهدی (۱۳۸۹). بررسی اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، پژوهش اجتماعی، ۴(۱۱)، عقیلی، محسن و دالور، علی (۱۳۹۰). بررسی دیدگاه‌های اساتید علوم اجتماعی نسبت به نقش رسانه‌های دیداری (تلویزیون، ماهواره و اینترنت) در فرایند جهانی شدن با تأکید بر سیاست‌های فرهنگی ایران، فرهنگ ارتباطات، ۱(۱)، ۳۱-۶.
- فیروزجانیان، علی اصغر؛ و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷). تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۵(۱)،
- قادرزاده، امید؛ شریفی، فاطمه و ال‌ناز حسن خانی (۱۳۹۷). مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان، مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۷(۴)، ۹۳-۱۲۹.
- قائدی، محمد رضا (۱۳۹۸). ارزیابی مشارکت سیاسی و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در جوامع شهری (مطالعه موردی: شهر لامرد استان فارس)، برنامه ریزی منطقه‌ای، ۹(۳۶)، ۱۱۸-۱۰۷.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۳). گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیست، مارتین؛ و دوز رابرت (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمد حسین فرجاد، تهران: توس.

- مسعود نیا، حسین؛ رهبر قاضی، محمد رضا؛ مهربانی کوشکی، راضیه و پوررنجبر، مهدیه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی ایران، ۵(۲)، ۹۴-۷۷.
- نجفی، هوشنگ؛ قدیمی، بهرام؛ شیر، طهمورث، متقی، ابراهیم (۱۴۰۲). بررسی مطالعه جامعه شناختی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تبریز، مطالعات توسعه اجتماعی، شماره ۲، ۷-۱۹
- نظری، سید غنی؛ بشیری گیوی، حسین و جنتی، سعید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۱)،
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.
- Gan,Ch; Lee,F.L.F;Li,Y. (2017).Social Media Use, Political Affect, and Participation Among University Students in Urban China ,Telematics and Informatics, 34(7): 936-947.
- Huntington, S.P and J. Nelson (1976): No easy Choice: Political Participation in Developing Countries, Cambridge: Harvard University Press.
- Lipset, S.M (1963): Political man: The social Bases of Politics, New York: University Press.
- Milbrath, Laster (1977). Political Participation, Hand Book of Political Behavior, vol. 4 (ed.) S.Long, New York: Plenum press
- Zaheer,L.(2016). Use of Social Media and Political Participation amon University Students, Pakistan Vision,17(1): 278-299.